

نمایندگان تهران اعتراض کردند ساخت محله‌ای ۵۳ هزار نفری در دل بوستان ولایت

عضو مجمع نمایندگان تهران: ساخت‌وساز در بوستان ولایت باید مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری را داشته باشد

شهروند | شهردار محترم گفتند، قبلا هم می‌گزارش را دیدم نزدیک ۳۰۰ هکتار زمین است، این خیلی مهم است، ایشان می‌گویند می‌خواهیم ۲۲۰ هکتارش را فضای سبز درست کنیم. شما باید مواظب آن بقیه باشید. ۸۰ هکتار زمین وسط شهر چیز کمی نیست، این جا زمین‌هایی است که متر متر محاسبه دارد. اینها بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در روزی است که برای افتتاح بوستان ولایت آمده بودند. آن روز می‌گفتند این جا بزرگترین بوستان خاورمیانه است حالا اما سه سال گذشته و نه تنها خبری از بزرگترین بوستان خاورمیانه در جنوب تهران نیست که خبرها نشان می‌دهد تنها ۶۰ هکتار از حدود ۳۰۰ هکتاری که باید پارک می‌شد در دستکاری شده و تکلیف ۲۴۰ هکتار دیگر نامعلوم و حتی نگران کننده است. به گزارش

شهردار محترم گفتند، قبلا هم می‌گزارش را دیدم نزدیک ۳۰۰ هکتار زمین است، این خیلی مهم است، ایشان می‌گویند می‌خواهیم ۲۲۰ هکتارش را فضای سبز درست کنیم. شما باید مواظب آن بقیه باشید. ۸۰ هکتار زمین وسط شهر چیز کمی نیست، این جا زمین‌هایی است که متر متر محاسبه دارد. اینها بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در روزی است که برای افتتاح بوستان ولایت آمده بودند. آن روز می‌گفتند این جا بزرگترین بوستان خاورمیانه است حالا اما سه سال گذشته و نه تنها خبری از بزرگترین بوستان خاورمیانه در جنوب تهران نیست که خبرها نشان می‌دهد تنها ۶۰ هکتار از حدود ۳۰۰ هکتاری که باید پارک می‌شد در دستکاری شده و تکلیف ۲۴۰ هکتار دیگر نامعلوم و حتی نگران کننده است. به گزارش

تولید باران در ۱۲ شهر تشدید بحران آبی مبارزه با خشکسالی را به طرحی متعلق به دهه ۵۰ رساند

صفحه ۴



فراخوان ۱۶ هزار معلول نخاعی
برای دریافت ویلچر
ویلچر رو یا شده است

صفحه ۱۶

محیط زیست
گزارش «شهروند» از هزاران هکتار تخریب اراضی کشور
مصائب آقای «جاده»
صفحه ۸

حوادث
هدیه سبز در پرواز مرگبار
اعضای بدن نوجوان مهدی بیمار را نجات داد
صفحه ۱۸

صفحه‌های طرح نو
بحران زیرساخت‌ها در ایران از نگاه کارشناسان
تضادهای رو به گسترش جامعه ایرانی
در گفت و گو با محمد هاشمی
صفحه‌های ۱۲-۹

حوادث
در بر نامه ماهواره‌ای صورت گرفت
کلاهداری با آینه جادویی
صفحه ۱۸
دیپلماسی
کاخ سفید رسماً اعلام جنگ کرد
حمله به داعش با هدف سرنگونی اسد
صفحه ۳

خبر
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۹۷
با سلام، تشکر از روزنامه خوب شهروند، به‌خوشی از مطالب پزشکی که ما را از خیلی مسائل آگاه کرده همه مطالب عالی هستند. عباسپور کازرون
شهروند: لطف دارید.
با سلام و خسته نباشید خدمت بچه‌های شهروند، واقعا دستتون در دکنه خصوصاً بچه‌های صفحات طرح نو. کارتون فوق‌العاده‌ست! مرسی از همه‌شما.
شهروند: ماهم از شما ممنونیم.
با سلام، من از چهار روستای کمربند مزاحم می‌شوم، شمارا به اون خدایی که پرستش می‌کنید قسم میدم فقط یکبار یکبار بیایید وضع ما را ببینید، ما ایرانی‌نیستیم ما از این خاک نیستیم، بچه‌های نواز چه گناهی کردند، ما از کوچکترین نعمت که بر ما شده محرومیم هیچ کس به حرف ما توجه نمی‌کند، جمعیت روستا ده هزار خانوار است منتظر شاهستیم.
شهروند: حتما گزارشگر ما به منطقه شما خواهد آمد.
با سلام و عرض خسته نباشید خدمت شهروند، بنده آقا سید هستم از فرخ شهر. خواهش دارم در مورد معضلی که از اجرای تونل‌های گلاب و بهشت آباد گریبان استان چهارمحال و بختیاری و خصوصاً فرخ شهر را می‌گیرد، گزارش تهیه کنید.
شهروند: ای به چشم آقا سید!
با سلام، برای سلامتی و بهبودی مقام معظم رهبری هر شهر شوند ایرانی (۱۰۰) صلوات، نذر کنیم. حسن آقایی قزوین
شهروند: پیشنهاد خوبی است. البته شکر خدا وضعیت جسمانی ایشان کاملاً رضایت بخش است.
دوست دارم روزنامه شهروند یک صفحه اندیشه هم داشته باشد که به آرا و افکار متفکرین بزرگ دنیا و ایران در حوزه‌های مختلف بپردازد. نظیر روزنامه‌های هم‌عصر دهه ۷۰ شمس.
شهروند: به زودی این کار را خواهیم کرد.
آیا در عصر ارتباطات می‌توان با گشت‌های ارشاد موتوری در خیابان‌ها و کوچه‌ها مردم را امر به معروف و نهی منکر نمود؟ آیا این مهم نباید امروزه به وسیله رسانه‌ها از طریق فرهنگ‌سازی انجام بگیرد؟ شهروندی از زنجان
شهروند: بعضی‌ها هم چنان به شیوه‌های ارشاد در خیابان معتقدند و بر آن پافشاری دارند. البته فرهنگ‌سازی کار دشوار و پیچیده‌ای است که نیاز به صرف زمان و فنون صحیح دارد.
لطفاً با خانم لیلا حاتمی گفت و گو کنید. حاتمی یکی از افتخارات ایران هستند از تهران شهروند: به چشم. حتماً از ایشان تقاضای مساجه خواهیم کرد.

یادداشت
کوری... (۲)
دیده‌بانان سر برچی از دور، ناظر ما بودند و من به‌ت زده ناظر گنجشک‌مانی که همه بی‌گذر نامه سفر می‌کردند گردشگری که زبانه‌های خود را در هر جای مسیر، در کنار جاده، لب رودخانه، میان جنگل، کنار دریا و هر جای دیگری رها می‌کند باید بدانند که نه تنها مرزهای جغرافیایی و سیاسی برای پرندگان بی‌اعتبارند و پرندگان بی‌گذر نامه سفر می‌کنند، بلکه آب‌های زیرزمینی، باران‌های اسیدی، آلودگی هوا و سموم موجود در گیاهان، میوه‌ها و سبزیجات نیز اغلب بی‌گذر نامه سفر می‌کنند. اگر مسافر و گردشگر بدانند شیرابه مسموم و بیماری‌زای هر آلودگی که فرسنگ‌ها دور از محل زندگی خود ایجاد می‌کند، سرانجام به قوری جای، لیوان آب و ظروف میوه و سبزی خود و خانواده‌اش برمی‌گردد، آیا در رفتار خود تجدیدنظر نخواهد کرد؟
در تعالیم اسلامی داریم که در جنگ، آب‌های دشمن را نباید الوده و مسموم کرد، درخت‌ها را نباید ریشه‌کن کرد و یا سوزاند. در زمان‌هایی که هنوز مرتبط بودن و یکپارچه بودن سامانه طبیعت مانند امروز روشن نشده بود، شاید این تعالیم در رابطه با غلظت به دشمن و یا جانمردی و قنوت تعبیر می‌شد که شاید بخشی از آن هم درست فرآیند، روی هم تلنبار شده، تشکیل چهل مرکب دشمنی انسان‌ها برای طبیعت و محیط‌زیست بی‌معناست. آلودگی آب و هوا دوست و دشمن نمی‌شناسد و هر کس رودی را در هر جای این کره خاکی به مواد ناسودمند و زیانبار بی‌الاید، در حقیقت آب آشامیدنی و رویدنی‌های سرزمین خود را الوده کرده است. اکسیژنی که درختان تولید می‌کنند، در یک جامی ماند بلکه ریه‌های همه زمین را از حیات برمی‌کند. کسسی که از آتش گرفتن جنگل‌های دشمن شادی می‌کند، نادانی است که نابودی خود لب مرزی رفتن خاک را رود و قسمت می‌کند این طرف ما بودند، آن طرف هم آنها

محمد مهدی پور محمدی
تقریباً تمام فرصت یادداشت دیروز صرف آن شد که بسیار با احتیاط و رعایت کامل شرایط ایمنی گفته شود، معضل زبانه که جنگل‌ها، کوه‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، آب‌های زیرزمینی، سلامتی هموطنان و زیبایی کشور عزیزمان را مورد تهدید جدی قرار داده است، یک مشکل وارداتی و توطئه خارجی نیست و در این باره کلا و جزاً خودمان مسئولیم و خود باید چاره‌اندیشی کنیم. چرا گفتن این حقیقت ساده این قدر سخت بود؟ زیرا خیلی اهل تعارف و تعریف از خود و تمجید زبان‌پرین نیستند و داند که از آن بر دامان کبریایی عزیزی گردی بنشینند، مورد شتمانات قرار می‌گیریم که: «هر راست نشاید گفت» و «دروغ‌گویی حرام، اما راست‌گویی که واجب نیست.» بنابراین نسیب دادن خطا به یکدیگر و خودمان را گناهی بخشش‌ناپذیر می‌دانیم. اگر خواهیم منصفانه قضاوت کنیم باید احتمال این که ممکن است درصد ناچیزی از مشکلات ما - حتی در حد روزانه - نظیر دور نداریم.
نگارنده شاید نیک می‌داند که دیپلمات کسی است که اگر خواست به کسی بگوید: «برو به جهنم» طوری آن را بسته‌بندی کادویی کند که شنونده از این که آدرس جهنم را به او داده‌اند کلی متشکر و ممنون شود. شعار روزنامه توفیق این بود: جوق تلخ است با شیرین زبانی حکایت سرکنم آستان که دانی
اما عمق فاجعه انباشت زبانه در جاده‌ها، خیابان‌ها، جوی‌های آب، رودخانه‌ها، کوه‌ها و جنگل‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها و... به قدری فاجعه‌آمیز است که مجالی برای مقدمه‌بافی، صحبت دیپلماتیک

دوست و همکار عزیز
جناب آقای سلمان طاهری
مصیبت در گذشت پدر عزیزتان را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند بزرگ برای روح آن مرحوم، طلب آرامش و برای جنابعالی و خانواده داغدار تان صبر و شکیبایی آرزو می‌کنیم. به این مناسبت در مراسم ترحم آن مرحوم که روز یکشنبه ۲۳ شهریور ماه از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱۹ در مسجد جامع شهر کغرب برگزار می‌شود، حاضر می‌شوم.
همکاران شماره روزنامه شهروند

یادداشت
بحران آب و انرژی؛ دو اولویت مهم
مصطفی عابدی | روزنامه نگار
تردیدی نیست که روند جاری در محیط‌زیست ایران در وضع مناسبی قرار ندارد. آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها، پیشروی بیابان‌ها، نابودی گونه‌های حیوانی و گیاهی، آلودگی دریا و آب و... همه اینها مصادیق این روند است که بخشی از ناشی از فشار روزافزون جامعه برای توسعه صنعتی و افزایش تولید و مصرف بخشی نیز محصول زیاده‌خواهی و عدم رعایت قوانین و مقررات و نیز فقدان نظارت‌های قانونی و نیز صرف نادرست است. مخالفت و اعتراض نسبت به این روند وظیفه همه ماست. بسیج شدن مردم و نهادهای مدنی، که هدف آنها دفاع از محیط‌زیست است، کمک مؤثری به تغییر این وضع می‌کند. ولی این نکته را نباید فراموش کرد که میزان توجه ما به مشکلات باید متاثر از اولویت‌های جاری و متناسب با خطرات هر یک از این مشکلات برای جامعه ایران باشد. در حالی که به نظر می‌رسد چنین توانی در حساسیت‌های ما وجود ندارد. نمونه روشن آن نیز آب و انرژی است. هر چند مردم آصفهان به خشک شدن زیاده‌خورد معترض هستند و نیز خشک شدن دریاچه ارومیه نیز مورد اعتراض مردم آذربایجان و سایر نقاط کشور قرار گرفته و با اعتراضات دیگری که نسبت به این موضوع دیده می‌شود، گسترده است، ولی این اعتراضات را نمی‌توان صدقاً حساسیت نسبت به مسأله آب دانست. زیرا این اتفاقات محصول نوعی از نحوه مصرف و بهره‌برداری از آب است که طی دهه‌های گذشته ادامه داشته و منجر به این نتایج ناخوشایند شده است و متأسفانه هنوز هم این فرآیند ادامه دارد و اگر حساسیتی نسبت به مصرف و آب‌پایه نادرست آب باشد باید معطوف به آن استفاده‌های نادرست از آب باشد. در واقع باید آلودگی را از سرچشمه حل کرد. در حالی که می‌بینیم در این موارد حساسیت‌ها زیاد نیست و هنوز هم به رنگ‌های خطر کم‌آبی زده شده و گوش‌های تیزبین را به خود جلب کرده، باز هم فعالیت چشمگیری از سوی فعالان مدنی و رسانه‌ای برای مقابله با اقداماتی که خطر کم‌آبی را تشدید می‌کنند، دیده نمی‌شود. روغن پالم حساسیت ما را برمی‌انگیزد، در حالی که عوارض و تبعات آن در مقایسه با بافت تیره آب در کشور و شهرهای مهم و پایتخت بسیار کمتر است. علت این تفاوت در چیست؟ به نظر می‌توان چند علت را در این مورد برشمرد:
۱- اصلاح در سیاست‌های مصرف آب و انرژی، با منافع شخصی همه احاد جامعه در تضاد قرار می‌گیرد و همه ما باید هزینه‌های آن را بپردازیم لذا فعالیت مدنی پیرامون آن شکل نمی‌گیرد. هیچ کس اعتراضی نمی‌کند که چرا باید بنزین را از راننده از آب مصرف کنیم و طبیعتاً در نتیجه آن رفت و آمد خودروهایی با مصرف سوخت و آلوده‌کننده را شاهد باشیم. هیچ کس معترض نیست که چرا باید آب